

آینه

سرمقاله محمدمقدوحاجی: شورای نگهبان علیه آثارششم شرعی

رد طرح نمایندگان اصولگرای مجلس شورای اسلامی برای «حمایت از آمران به‌معروف و ناهیان‌ازمنکر» از سوی شورای نگهبان قانون اساسی، احیای جایگاه فقهی و حقوقی این نهاد قانونی بود. شورای نگهبان یادگار– البته تغییر شکل یافته– نهضت مشروطیت ایران است. نهادی که برای جمع شرع و قانون به‌عنوان دو نماد سنت و تجدد تأسیس شد تا معضل تنافر و تضاد میان نهادهای دنیای جدید و جهان کهن را برطرف کند. در مقابل این باور سنتی که «با وجود کتاب قرآن نیازی به کتاب قانون وجود ندارد» و این نظریه درست اما نیازمند تفصیل که «قرآن، قانون ماست»، مجتهدان شیعه، اجتهاد کردند و از جعل قانون در چار‌چوب قرآن دفاع کردند. اجتهادی که بنیان دولت مشروطه را به‌عنوان حکومت قانون مستقر ساخت و به آن مشروعیّت (دینی) داد.

این اصل قانون اساسی مشروطیت اما پس

از چندی اجرای ناقص در سلطنت پهلوی، به

فراموشی سپرده شد و بیراه نیست اگر عدم اجرای

آن را یکی از علل سقوط رژیم سلطنتی بدانیم؛ چرا

که با عدم اجرا درواقع مذهب‌ی مذهبی آن حکومت

مشروطه سلطنتی از کف رفت و روحانیت هم در

زمره مخالفانش قرار گرفت.

با آغاز نهضت اسلامی ایران از خردادماه ۱۳۴۲

فکر احیای این نهاد نظارتی فقهی نضج گرفت. امام

خمینی از همان ایام جوانی در کشف‌الاسرار پیشهاد

کرده بود که در کنار مجلس نمایندگان، مجلسی از

مجتهدان تشکیل شود تا بر مشروعیّت قوانین نظارت

کند. درواقع از نظر امام، شریعت پارلمان و فقاقت

حکومت و حتی ولایت فقیه از این طریق قابل

اعمال بود و نیازی به سازمانی جداگانه نبود. این

فکر به انضمام تجربه جمهوری فرانسه در وجود

نهادی به‌عنوان پاسدار قانون اساسی روشنفکران

و حقوق‌دانانی مانند مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان را

به پیش‌بینی نهاد شورای نگهبان در قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران هدایت کرد.

اصولگرایی دینی در مجلس شورای اسلامی

همچون رقیبان خود در جریان روشنفکری دینی به

شدت در معرض گذار به نوعی اقتدارگرایی است. از

خاکستر این جریان نوعی بنیادگرایی مذهبی در شرف

تکوین است که دین را فراتر از فقه، نوعی ایدئولوژی

می‌خواهد و حکومت را ابزار اقامه این ایدئولوژی،

تها و تنها از پایگاه سنت، سنتی که با فکر تجدد

بارور شده باشد می‌توان با این بنیادگرایی مبارزه کرد.

جریانی که روزگاری با کمک نهاد روحانیت به قدرت

رسید. اکنون در حال گذار از آن است. روزگاری این

اتهام را به جناح چپ می‌زدند و اکنون از دل راست،

این عبور از روحانیت در حال شکل‌گیری است.

اصولگرایانی که در آستانه بنیادگرایی بوده و اینان

منتقدان تازه و آینده شوری نگهبان‌اند.

مرحان توحیدی: در گفت‌وگو با بهمن شریف‌زاده خواستار روشن‌شدن صحت‌وسقم برخی از اخباری بودیم که از سوی طرفداران رییس پیشین دولت منتشر می‌شود. گفت‌وگو با این روحانی حامی احمدی‌نژاد و مشایب را درآپارتمانی انجام دادیم که بیشتر به محل سکونت می‌مانست، اما ظاهرا دفتر آقای شریف زاده است. روحانی‌ای که در دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد طعم زندان را هم چشیده است. بهمن شریف‌زاده در این گفت‌وگو سعی کرد به‌طور تلویحی به اخبار و شنیده‌های ما پاسخ داده و از صراحت بپرهیزد. از جمله این اخبار، تماس دفتر احمدی‌نژاد با دفتر خاتمی بود که او ما را به پیگیری بیشتر وعده داد و گفت: «همین حد بگویم که آنچه در رسانه‌ها درباره تماس با آقای خاتمی مطرح شده، درست نیست. اصلش را رد نمی‌کنم ولی آن گونه که مطرح شده، درست نیست» شریف‌زاده اما خبر داد که «اعضای جبهه پایداری اگر چه از حمایت آقای احمدی‌نژاد به یک معنا دست کشیدند، ولی بعد از این دست کشیدن، گروهی دوباره برگشتند و از آقای احمدی‌نژاد اعلام حمایت کردند. اگرچه این حمایتشان به این معنا نبود که افکار آقای مشایب را پذیرفته باشند.» او توضیح داد که این گروه رجعت‌کرده به سمت احمدی‌نژاد از پایداری‌های شاخه تهران این گروه بودند. وی همچنین از جلسات سه‌نفره خود با احمدی‌نژاد و مشایب در ساختمان ولنجک خبر داد و گفت: در این جلسات برخی از اساتید حوزه و دانشگاه هم هستند، هم از حوزه تهران و هم از حوزه قم. همچنین او در تمام گفت‌وگو تلاش داشت تا مرا به این موضوع رهنمون سازد که نگاه احمدی‌نژاد نه اصولگرایانه به اصطلاح است و نه اصلاح‌طلبانه مصطلح. او در تأکید آن هم گفت که «احمدی‌نژاد قصد نزدیک‌شدن به هیچ جریان سیاسی را ندارد از جمله اصولگرایان، به‌رحال اصولگرایان خیلی‌ها به سراغ آقای احمدی‌نژاد آمدند.»

آیا همچنان دو دستگی در میان هوادان آقای احمدی‌نژاد به دلیل حمایت ایشان از آقای مشایب وجود دارد؟ خیر. آقای احمدی‌نژاد در ولنجک دفتر دارند و این جای انکار نیست. منتها یک دفتری است که مردم برای دید و بازدید با ایشان می‌آیند. همچنین همکاران سابق ایشان هم اگر خواهند او را ببینند می‌توانند بروند ساختمان ولنجک.
آیا همچنان دو دستگی در میان هوادان آقای احمدی‌نژاد به دلیل حمایت ایشان از آقای مشایب وجود دارد؟ آنچه شما به آن اشاره می‌کنید وجود داشته و هنوز هم در یک سطحی وجود دارد، یعنی برخی حامیان آقای احمدی‌نژاد ادعا می‌کردند که ما فقط حامی آقای احمدی‌نژاد هستیم و با اندیشه‌های آقای مشایب موافق نیستیم، مثل جبهه پایداری اما وقتی که آقای احمدی‌نژاد «در آن جمله معروف که من مشایب هستم و مشایب من است» به‌صورت قاطعانه آقای مشایب و افکار ایشان را منطبق با افکارش معرفی کرد، اعضای جبهه پایداری از حمایت آقای احمدی‌نژاد به یک معنا دست کشیدند، ولی بعد از این دست‌کشیدن، گروهی دوباره برگشتند و از آقای احمدی‌نژاد اعلام حمایت کردند. اگرچه این حمایتشان به این معنا نبود که افکار آقای مشایب را پذیرفته باشند.
آیا جبهه پایداری چه کسانی هستند؟ اعضای که وقتی ما مصاحبه‌ها و گفته‌های‌شان را می‌خوانیم، می‌بینیم نظرشان نسبت به اعضای دیگر معتدل‌تر است.

آ شما به‌عنوان روحانی حامی آقای مشایب در شرایط فعلی به چه فعالیت‌های مشغول هستید؟

من از آغاز آشنایی با جناب آقای مشایب و پیش‌تر از آن آشنایی با افکار آقای احمدی‌نژاد، تلاشم در جهت تبیین اندیشه‌های عدالت‌محور و همچنین اندیشه جهانی‌شدن، مهدویت و در یک کلام گفت‌مان بهار بوده است. یعنی تلاش بنده بیشتر یک تلاش علمی در جهت تبیین افکار بوده است. نکته دوم درباره تلاش بنده این است که تعبیر و تفاسیر غلطی از اندیشه‌های جناب آقای مشایب می‌شد و من این را به منزله یک ستم در حق ایشان و اندیشه‌های ایشان احساس می‌کردم و برای دفاع از کسی که مظلوم واقع شده وارد عرصه تبیین علمی شدم. همچنین به‌خاطر همه‌های غیرعادی که به این دو شده و می‌شود مظلومیت اینها را رویه افزایش می‌بینم و برای همین انگیزه دفاع از مظلوم هم در من بیشتر شده است. بنابراین به همان راه دارم ادامه می‌دهم، با یک تفاوت که ما در دولت سابق رسانه داشتیم، اما امروز به شدت در مضیقه رسانه‌ای هستیم، یعنی رسانه‌ای به‌عنوان یک رسانه تاجیه بود با برد بالا برای ما نیست و به همین دلیل تبیین و تفسیر ما از اندیشه‌های جناب آقای احمدی‌نژاد و مشایب مثل گذشته در سطح جامعه منتشر نمی‌شود. نهایتا در چند سایت که مخاطب گسترده و بسیار ندارد.

آ چه چاره‌ای برای این موضوع دیدید؟

ما چاره‌ای نداریم. به دلیل اینکه ما هر اقدامی برای اخذ مجوز نشر می‌کنیم برای ما مجوزی صادر نمی‌شود؛ یعنی ما خود جزو مظلومانیم.

آ یعنی در دولت‌یازدهم درخواست مجوز دادید و نگرفتید؟

در دولت‌یازدهم جدیدا تقاضای مجوز نشریه‌ای ندادم.

آ چه زمانی بود؟

اقداماتی را قبلا انجام داده‌ایم.

آ در دولت خودتان بود؟

مربوط به دولت دهم نبوده است. شما که اهالی رسانه هستید می‌دانید که صدور مجوز رسانه، درست است که با نام وزارت ارشاد انجام می‌گیرد اما عواملی در صدور مجوز دخیل‌اند که آن عوامل، دولتی نیستند.
آ از طرف چه مرجعی با مشکل مواجه شدید؟ حالا من نمی‌خواهم نام ببرم و بگویم چه کسانی و از چه مراکزی هستند. اما چیزی که برای ما اتفاق افتاده این است که ما با وجود اقدام برای اخذ مجوز، توفیقی برای اخذ مجوز نداشتیم. برای همین دستانم از رسانه خالی است و رسانه‌هایی که با ما مصاحبه می‌کنند، وسیله‌ای برای نشر افکار ما می‌شوند.

آ شما در ادامه تلاش‌هایتان برای تبیین و تفسیر افکار آقای احمدی‌نژاد و مشایب طبیعتا باید با آنها دیدارها و ملاقات‌هایی داشته باشید. این دیدارها هر چند وقت یک‌بار و کجا انجام می‌شود؟ یعنی محل اجتماع سه نفره شما کجاست؟

من با آقای احمدی‌نژاد و مشایب به‌صورت هر هفته دیدار دارم. در این دیدارها هم به مباحث علمی و محتوایی می‌پردازیم؛ مثلا درباره اندیشه مهدویت با هم بحث می‌کنیم مثل دو طلبه یا دو دانشجو، به هر صورتی می‌خواهید تعبیر کنید، بنابراین با یکدیگر درباره مباحث گوناگون مباحثه و گفت‌وگو می‌کنیم.

سیاست

روایت شریف‌زاده از دیدارهای اصولگرایان با احمدی‌نژاد

گفتند مشایب را در پستو بگذار

بخشی از «پایداری» ها به احمدی‌نژاد رجعت کرده‌اند



عکس مهدی مهدوی‌کنی

نشود، باید گروهی باشد که بتوانند این اندیشه‌ها را با آنها در میان بگذارند؟

من مقاله می‌نویسم و در همین حد، توان من است بلکه، ولنجک.

آما آقای جوانفکر به تازگی مطرح کردند که این ادعای ما اهالی رسانه است که آقای احمدی‌نژاد دفتری دارد؟

خیر. آقای احمدی‌نژاد در ولنجک دفتر دارند و این

جای انکار نیست. منتها یک دفتری است که مردم

برای دید و بازدید با ایشان می‌آیند. همچنین همکاران

سابق ایشان هم اگر خواهند او را ببینند می‌توانند بروند

ساختمان ولنجک.

آیا همچنان دو دستگی در میان هوادان

آقای احمدی‌نژاد به دلیل حمایت ایشان از آقای

مشایب وجود دارد؟

آنچه شما به آن اشاره می‌کنید وجود داشته و

هنوز هم در یک سطحی وجود دارد، یعنی برخی

حامیان آقای احمدی‌نژاد ادعا می‌کردند که ما فقط

حامی آقای احمدی‌نژاد هستیم و با اندیشه‌های آقای

مشایب موافق نیستیم، مثل جبهه پایداری اما وقتی که

آقای احمدی‌نژاد «در آن جمله معروف که من مشایب

هستم و مشایب من است» به‌صورت قاطعانه آقای

مشایب و افکار ایشان را منطبق با افکارش معرفی کرد،

اعضای جبهه پایداری از حمایت آقای احمدی‌نژاد به

یک معنا دست کشیدند، ولی بعد از این دست‌کشیدن،

گروهی دوباره برگشتند و از آقای احمدی‌نژاد اعلام

حمایت کردند. اگرچه این حمایتشان به این معنا نبود

که افکار آقای مشایب را پذیرفته باشند.

آیا جبهه پایداری چه کسانی هستند؟

اعضایی که وقتی ما مصاحبه‌ها و گفته‌های‌شان را

می‌خوانیم، می‌بینیم نظرشان نسبت به اعضای دیگر

معتدل‌تر است.

آیا مثلا چه کسانی؟

من اسم نمی‌برم،

چرا اسم نمی‌برید؟

چون ممکن است بعدا آن فرد

انکار کند.

آیا خب انکار کند. اشکالی

ندارد.

از نظر ما برخی شاخه پایداری

که تهران بودند مقداری نسبت

به آنها که در قم بودند، معتدل‌تر

بودند.

آیا پس شما قابل به جدایی

پایداری قم و تهران هستید؟

از نگاه من کلا در هر جریانی، طیف‌های گوناگونی

از جهت تندی و کندی وجود دارد. مثلا ما در جریان

اصلاح‌طلب، اصلاح‌طلبان خیلی تند و اصلاح‌طلبان

معتدل نیز داریم. در جریان اصولگر نیز اصولگرایان

تند داریم، اصولگرایان معتدل هم داریم، بنابراین هیچ

ایرادی ندارد که مثلا در جبهه پایداری، هم طیف تند و

هم معتدل باشد. از نظر من بعید نیست. طیف تهران

از نظر من یک مقداری در حمایت از آقای احمدی‌نژاد

معتدل‌تر است.

آیا این اعتدال را فقط در مصاحبه‌ها دیدید؟ یا آنها

دیداری داشتند و تجدید بیعت کرده‌اند؟

من ارتباطی نداشته‌ام و خبر ندارم.

آیا غیرممکن است که خبر نداشته باشید؟

من تا خبر قطعی نداشته باشم، نمی‌توانم بگویم و

اعلام نمی‌کنم. اما شنیده‌ام.

آما شما در حال حاضر در حال تدوین منشوری

هستید که براساس آن جبهه‌ای فارغ از اصولگرایی

و اصلاح‌طلبی را تشکیل دهید؟ آیا چنین برنامه‌ای

دارید؟

آقای احمدی‌نژاد از آغاز گفته‌اند که نه اصولگرا

هستم و نه اصلاح‌طلب ولی هیچ‌گاه دنبال تشکیل

حزب نیستم.

آما منظورم حزب نیست، یک پایگاه فکری است

که طبیعتا از آن، نوعی پایگاه سیاسی هم استخراج

می‌شود؟

اگر مقصودتان این است که افکار زایشش دارد،

این درست است. طبیعتا اعتقاد به افکار و مبانی،

دیدگاه‌های سیاسی را هم به‌دنبال دارد. ولی این

معنایش تشکیل حزب و منشور و جریان نیست. این

معنایش این است که من اندیشه متفاوتی دارم که

می‌تواند مقتضیات گوناگونی داشته باشد.

آما وقتی شما فکری دارید، علاقه دارید که آن را

انتشار دهید و این افکار، مدون شود. فرضا هم مدون

و ایشان را دید، معنایش این نیست که می‌خواهد به جناحی نزدیک شود.

آما نظر شما چیست؟

من می‌گویم آقای احمدی‌نژاد را اصلا با این معیارها نسنجیم. این را می‌توانم بگویم که آقای احمدی‌نژاد قصد نزدیک‌شدن به هیچ جریان سیاسی را ندارد؛ از جمله اصولگرایان، به‌رحال از اصولگرایان خیلی‌ها به سراغ آقای احمدی‌نژاد آمدند.

آما چه طیف‌هایی از گروه‌های اصولگرا به دیدار ایشان آمدند؟

این موضوع که در رسانه‌ها خیلی مطرح شد. مثلا خطاب به احمدی‌نژاد گفتند شما آقای مشایب را در پستو قرار دهید و جلو بیاید. من نمی‌خواهم اسم ببرم. ببینید، مبانی فکری آقای احمدی‌نژاد عدالت‌محوری و تکریم انسان است. در اصولگرایی چارچوبی وجود دارد که می‌گوید نوع برخورد با جوانان باید اینگونه باشد. آقای احمدی‌نژاد این نوع خط‌کشی‌ها را قبول ندارد و چون قبول ندارد، می‌گوید شما باید به انسان احترام بگذارید و انسان را تکریم کنید، از جوان جامعه خودمان گرفته تا تمام مردم دنیا.

آما تابلیی این مبانی که شما بیان می‌کنید، آقای مشایب است. ناخودآگاه اگر کسی این تفکرات را بپذیرد، آقای احمدی‌نژاد با او وارد تعامل می‌شود و در غیر این صورت، خیر؟

نه فقط این نیست. آقای‌مشایب در حوزه اقتصادی

دخالتی نداشته است، یعنی آرای آقای‌مشایب فقط در حوزه فرهنگی است. آرایه‌ی که درباره‌اش نزاع است،

آرای فرهنگی ایشان است. اما می‌بینیم مخالفت با آقای احمدی‌نژاد فقط در حوزه فرهنگ نیست، اصل

دعویی که با آقای احمدی‌نژاد وجود داشت، در حوزه مسائیل اقتصادی بود. آقای احمدی‌نژاد عدالت‌محور

است. این عدالت‌محوری از نظر ایشان اقتضائاتی دارد که از جمله این اقتضائات، بازشدن کانال ثروت رو به

مردم و بسته‌شدن کانال ثروت در جایی دیگر است. خوب، این اقتضا مقبول همگان نیست، آقای احمدی‌نژاد

مخالف است با اینکه کانال ثروت روی برخی که ما

احیانا نامشان را اقا‌زاده‌ها می‌گذاریم، باز شود. این مقبول گروهی از آقایان نیست.

آما من در بحث اقتصاد نمی‌خواهم وارد شوم و فقط مطالبی را به صورت کلی طرح می‌کنم. آن

هم این است که در بعضی مفاسد اقتصادی مثل فساد سه‌هزارمیلیاردی نام آقای‌مشایب برده شد با

اخیرا بحثی درباره تقلف در خرید و واردات قطعات هواپیمای بود که با توصیه آقای‌مشایب انجام شده و

نمایندگان هم درباره آن صحبت کرده‌اند.

نام آقای‌مشایب در اتهاماتی که در این عالم وارد شده، وجود دارد (با خنده) ولی یکی از آنها هم ثابت نشد.

آما اما دست‌کم در فقره دوم علی‌الحساب، نمایندگان اعلام کرده‌اند اسناد و مدارکی دارند که

می‌خواهند اعلام کنند؟

خیر، سه‌سال است که این علی‌الحساب‌ها وجود دارد. بنده از اتهام جاسوسی و امنیتی از پنج‌سال پیش

شنیده‌ام تا اتهام فکری تا رمالی تا جادوگری تا سحر تا اقتصادی، هرگونه اتهامی که فکر کنید، به ایشان زده‌اند.

ولی سرسوزنی از این اتهامات اثبات نشد. خب اینها در عرصه سیاست همه معنا دارد. شما که در رسانه

هستید، باید این را بدانید.

آما ما این را می‌دانیم که وقتی عناوین سیاسی پشت‌فرد قرار گیرد، ممکن است مقداری در روند بررسی‌ها تاثیرگذار باشد.

اتفاقا خیر. وقتی می‌بینید آقای احمدی‌نژاد را به دادگاه می‌برند، نمی‌توانند آقای مشایب را به دادگاه ببرند؟ قدرت سیاسی آقای‌مشایب که با آقای احمدی‌نژاد

قابل احتضاریه دادگاه هم برای این اتهامات نامیده است؟ پس چرا آقای‌مشایب که اتهاماتش در مقایسه با آقای احمدی‌نژاد یکسان نبود، ولی با وجود این

وجاهت و این قدرت و به قول شما این حمایت مردمی، آقای احمدی‌نژاد را به اموری متهم کردند و حتی دادگاه

ایشان را احضار کرد.

آما ایشان در دادگاه حاضر نشدند.

بحث من سر آقای احمدی‌نژاد نیست، می‌خواهم بگویم وقتی برای رییس‌جمهور پرورنده تشکیل می‌شود،

چرا برای آقای مشایب که ایراد اتهامات به ایشان لااقل چهارسال نه پنج‌سال قبل از آقای احمدی‌نژاد شروع

شده دادگاه تشکیل نشده که هیچ، حتی تا به حال یک احتضاریه دادگاه هم برای این اتهامات نامیده است؟ پس چرا آقای‌مشایب که اتهاماتش در مقایسه

با آقای احمدی‌نژاد خیلی بیشتر است، یک پرورنده که موجب شود دادگاه ایشان را احضار کند، وجود ندارد.

عقل رسانه‌ای اقتضای می‌کند که توجه داشته باشد، یک رایحه خاص سیاسی‌کاری نسبت به آقای مشایب به مشام می‌رسد.

آما آقای احمدی‌نژاد باید به دادگاه مراجعه می‌کرد که مراجعه نکرد و بعدا هم دیگر بحثش مطرح نشد.

چون آن موضوع فرق می‌کرد و ممکن است دادگاه تشکیل‌دادن و دادگاه‌رفتن یک حالت فرمایشی به خودش بگیرد؟

نکات شما موید عرض بنده است. برای یک امر خیلی ساده، کار به دادگاه کشیده شده است.

آما به این علت که ممکن است روندش ساده‌تر باشد.

خیر. برای سه‌هزارمیلیارد که دیدید چه پرورنده‌ای تشکیل شد و کار به کجاها کشید. یعنی آنچنان آسان نبود.

آما در صفحه ۷

آینه دیروز

۹سال پیش درچین روزی

اطلاعات

رهبری: مسوولان برای ارتقای جایگاه بخش کشاورزی اهمیت قابل شوند

رییس‌کل بانک‌مرکزی: نرخ سود تسهیلات بانکی سال آینده افزایش می‌یابد

هیات ایرانی برای ارایه توضیح در مورد شروع تحقیقات هسته‌ای به وین می‌رود

رییس کمیسیون برنامه‌مجلس از مبنای قیمت نفت در لایحه بودجه ۸۵ انتقاد کرد

قیمت سکه بهارآزادی در بازار تهران ۵هزارتومان‌گران شد

حسن خمینی: ایجاد هر خلل و شبهه در قانون اساسی گام‌برداشتن در مسیر دشمنان است

رییس‌جمهوری در اجتماع مردم قم: دولت به دل‌های پاک و اراده پولادین مردم اتکا دارد

مشاوران

رهبری: می‌توانیم به صادرکننده محصولات کشاورزی تبدیل شویم

وزیر کشور: جمهوری اسلامی مشروعیّت و اقتدارش را از مردم گرفته است

فرمانده نیروی انتظامی: تشدید برخورد با موتورسواران متخلف

ظرفیت تولید اوپک به ۳۳میلیون بشکه می‌رسد

سود بانک‌ها سال آینده کاهش می‌یابد

کوفی عنان: ۲۰۰۶ سال جهانی پایان‌زدایی

اختلاف نظر بخش‌های لشکری و کشوری در مورد نقش برج مراقبت در سقوط هواپیما

کیمیان